



Factors affecting the foreign policy of the Islamic Republic of Iran in the African continent

Received : 2024/06/09

ISSN 9387-3041

Accepted: 2024/08/28

abstract

Mohammad Baqer Mokarmipour

Lecturer and guest lecturer of Ahl al-Bayt International University, peace be upon him, and PhD student of Political Science/Islamic Revolution Studies, Shahid University, Tehran, Iran (writer responsible for politics)

Email bagher.mokarami@yahoo.com

Orcid:0000-0002-3570-2761

Ruhollah Basri Master

of International Relations, Ahl al-Bayt International University, Tehran, Iran

Orcid:0000-0008-0189-1024

samiyr layeghi

Master of Political Science, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Orcid:0009-0009-0845-9303

The continent of Africa, with its unique characteristics and potential as well as economic capacities, has become a land for the presence of powerful and important countries, and according to the foreign policy of the United Arab Emirates and the urgent need of the African continent for new technologies. and the production of science, the influence of J.A. in the African continent, the development of Iran's influence in the African continent through the development of economic, political, cultural and educational diplomacy. Also, this continent has unique geopolitical, geocultural, and geoeconomic characteristics. And geostrategic has become a vast playground for other countries, especially powerful, large and emerging countries, and has a special place in the eyes of regional and global powers, so that many politicians and geopolitical theorists have called the current century the century of the African continent. On the other hand, one of the regions that has a special place in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran since the victory of the Islamic Revolution is the African continent, and considering the capacities and divine gifts in the African continent, the African continent should be used in the potential of Africa in Make the most of it to meet your needs and interests. According to the descriptive and analytical method, this research seeks to answer the question of what are the factors influencing the foreign policy of the Islamic Republic of Iran in the African continent? The author believes that during the last fourteen decades, the axis of the foreign policy of the Republic of Azerbaijan has mostly been European and American countries and to some extent some Asian countries such as China and Russia, and despite the fact that the potential capacities in the African continent Iran's foreign policy apparatus. **Keywords:** Foreign policy, Islamic Republic of Iran, African continent, political and cultural relations

عوامل مؤثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قاره آفریقا

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷

ISSN 9387-3041

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

چکیده

قاره آفریقا با داشتن ویژگی های منحصر به فرد و داشتن پتانسیل های بالقوه و همچنین ظرفیت های اقتصادی به سرزمینی برای حضور کشورهای قدرتمند و مهم تبدیل شده است و با توجه به سیاست خارجی ج.ا.ا و نیاز مبرم قاره آفریقا به فناوری های نوین و تولید علم، نفوذ ج.ا.ا در قاره آفریقا، توسعه نفوذ ایران در قاره آفریقا از طریق توسعه دیپلماسی های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و آموزشی می باشد. همچنین این قاره با داشتن ویژگی های منحصر به فرد ژئوپلیتیکی، ژئوکالچری، ژئواکونومیکی و ژئواستراتژیکی به زمین بازی وسیعی برای دیگر کشورها بویژه کشورهای قدرتمند، بزرگ و نو ظهور تبدیل شده است و جایگاه ویژه ای در نگاه قدرتهای منطقه ای و جهانی دارد بطوری که بسیاری از سیاستمداران و نظریه پردازان ژئوپلیتیک، قرن حاضر را قرن قاره آفریقا نامیده اند. از سویی یکی از مناطقی که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی جایگاه ویژه ای در سیاست خارجی ج.ا.ا دارد قاره آفریقا می باشد و با توجه به ظرفیت ها و مواهب الهی در قاره آفریقا ج.ا.ا باید از پتانسیل بالقوه آفریقا در راستای تأمین منافع و نیاز های خود از آن نهایت استفاده را بنماید. این پژوهش با توجه به روش توصیفی و تحلیلی به دنبال پاسخ به پرسش به این سوال است که عوامل مؤثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قاره آفریقا چیست؟ نگارنده بر این باور است که محور دستگاه سیاست خارجی ج.ا.ا در طی چهاردهه اخیر غالباً کشورهای اروپایی و آمریکایی و تا حدودی برخی کشورهای آسیایی مثل چین و روسیه بوده است و علیرغم این که ظرفیت های بالقوه که در قاره آفریقا وجود دارد دستگاه سیاست خارجی ایران عملکرد قابل قبولی طی چهار دهه گذشته نداشته و با ضعف هایی روبرو بوده است.

کلید واژه ها: سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران، قاره آفریقا، مناسبات سیاسی فرهنگی

محمدباقر مکرمی پور:

مدرس و مدعو دانشگاه بین المللی اهل بیت علیهم السلام و دانشجوی دکتری علوم سیاسی/مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email bagher.mokarami@yahoo.com

کد ارکید: 0000-0002-3570-2761

روح الله باصری:

کارشناس ارشد روابط بین الملل دانشگاه بین المللی اهل بیت علیهم السلام، تهران، ایران

کد ارکید: 0000-0008-0189-1024

سامیار لایقی

کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

کد ارکید: 0009-0009-0845-9303

قاره آفریقا یک قاره مهم و راهبردی برای جمهوری اسلامی ایران است روابط ایران و آفریقا به زمان های کهن باز می گردد در دوره قاجاریه ایران به جزء در مصر در دیگر کشورهای این قاره کنسولگری نداشت. در دوران پهلوی قاره آفریقا جزء اولویت سیاست خارجی ایران نبوده است اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران توسعه روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای آفریقایی علی رغم داشتن فراز و نشیب هایی در دولت های مختلف، همواره در دستور کار دولتمردان جمهوری اسلامی ایران قرار داشته است و به یک اولویت استراتژیک تبدیل شده که با جدیت دنبال می شود. رشد روز افزون فناوری در جهان و افزایش تعداد کشورهای در حال توسعه باعث ورود کشورهای متعدد به عرصه های اقتصادی و سیاسی در قاره آفریقا شده است و هر یک از کشور ها از طریقی توانسته اند راه ورود به درون قاره فرصت ها را باز کنند. نگاهی به میزان ارتباط کشورمان با این قاره پهنای در ۱۰ سال گذشته نشان می دهد از زمان دولت یازدهم حجم مبادلات مالی، مناسبات سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آفریقایی روند کاهشی به خود گرفته است.

با توجه به نیاز مبرم قاره آفریقا به فناوری های نوین و همچنین با توجه به توانایی های جمهوری اسلامی ایران در حوزه های مختلف فناوری و تولید علم، اعتقاد بر این است که نفوذ ایران در آفریقا وارد مرحله نوینی شده است که در آینده موجب تغییر و تحولات در روابط دو جانبه با کشورهای این قاره را فراهم خواهد آورد. هدف اصلی این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قاره آفریقا می باشد همچنین با توجه به پرسش این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که عوامل مؤثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قاره آفریقا چیست؟ نگارنده بر این باور است که محور دستگاه سیاست خارجی ج.ا.ا در طی چهاردهه اخیر غالباً کشورهای اروپایی و آمریکایی و تا حدودی برخی کشورهای آسیایی مثل چین و روسیه بوده است و علیرغم این که ظرفیت های بالقوه که در قاره آفریقا وجود دارد دستگاه سیاست خارجی ایران عملکرد قابل قبولی طی چهار دهه گذشته نداشته و با ضعف هایی روبرو بوده است. در این پژوهش تلاش خواهیم داشت تا مواردی چون قاره آفریقا در افق دیپلماسی، دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم ج.ا.ا در آفریقا، نقش قدرت نرم در دیپلماسی عمومی ج.ا.ا، بررسی پیشینه تاریخی روابط ایران و آفریقا، عوامل حضور ج.ا.ا در غرب آفریقا، مهمترین راهبرد های ج.ا.ا برای نفوذ در غرب قاره آفریقا، جایگاه آفریقا در سیاست خارجی ج.ا.ا (از منظر امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری)، عوامل موثر بر سیاست خارجی ج.ا.ا در قاره آفریقا، اقدامات دشمنان ج.ا.ا در مقابله با دیپلماسی فرهنگی ایران در قاره آفریقا، قاره آفریقا محور سیاست خارجی ایران در دولت های مختلف و بررسی بنیان های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ج.ا.ا در قاره آفریقا را بررسی کنیم.

پیشینه پژوهش:

موحیدی قمی (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان بررسی روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای قاره آفریقا (با نگاهی به روابط ایران و قاره آفریقا پیش از انقلاب اسلامی ایران)؛ در این پژوهش به بررسی روابط ایران با کشورهای آفریقای پرداخته و همچنین اولویت های مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آفریقا بر مبنای بسط و گسترش با کشورهای همسایه قرار داده شده است.

عسگر خانی و ارغوانی پیر سلامی (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان سیاست تعامل سازنده و الزامات توسعه روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و آفریقا؛ در این مقاله به سیاست تعامل سازنده و توسعه روابط اقتصادی ایران و آفریقا و تبیین چرایی و ضرورت بسط مناسبات میان ایران و آفریقا می پردازد. سیاست تعاملی سازنده به عنوان راهبرد کلان سیاست خارجی دولت نهم و دهم بوده است که باعث ارتقا جایگاه و موقعیت جمهوری اسلامی شده است از این رو موقعیت این قاره و با داشتن ۵۴ کشور به همراه ظرفیت های اقتصادی باعث شده جمهوری اسلامی در راستای اهداف کلان خود از دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی به عنوان یک ابزار مهم در جهت بهره گیری از موقعیت آفریقا اقدام کند.

دهشیری و رضایی جعفری (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان نو منطقه گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ در این تحقیق به بررسی نو منطقه گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته و معتقد است که تقویت روابط درون منطقه ای و سپس مناسبات میان منطقه ای می تواند زمینه ساز مقتضیات سیاست منطقه گرایی در فرایند جهانی شدن باشد.

یزدان پناه (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان نقش ژئوپلیتیک کشور های خاورمیانه و شمال آفریقا در امنیت منطقه ای؛ در این مقاله تلاش شده است تا از مدل های گرافیکی استفاده شود و نتیجه این پژوهش حاکی از آن است که کشورهای عربی به موقعیت و وزن ژئوپلیتیک ایران توجه نداشته اند و بدون توجه به جایگاه جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده اند بحران های منطقه ای را حل و فصل و مدیریت نمایند. به طور کلی مروری بر ادبیات پژوهش نشان می دهد پژوهش ها به زبان های انگلیسی، فارسی درباره قاره آفریقا انجام شده است اما تا کنون پژوهشی به طور مستقل با عنوان تبیین بنیان های ژئوپلیتیکی سیاست خارجی ایران در آفریقا وجود نداشته و همین امر اهمیت و ضرورت نگاشت پژوهش را نشان می دهد.

جان پرور و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان آینده نگری ظرفیت های اقتصادی آفریقا و سناریو های پیش روی جمهوری اسلامی ایران؛ در این مقاله سعی شده است به بررسی ظرفیت های اقتصادی قاره آفریقا و دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در آفریقا پردازد. جمهوری اسلامی ایران بر این باور است که قاره آفریقا یکی از سریع ترین اقتصادهای در حال رشد دنیا می باشد که توجه بسیاری از قدرتهای منطقه ای و جهانی را به خود جلب کرده است و می بایست جمهوری اسلامی ایران به دلیل تحریم های غرب از این ظرفیت و بازار پر منفعت اقتصادی به بهترین وجه استفاده نماید.

از نظر جنبه نوآوری باید اذعان نمود که در پژوهش حاضر کوشش شده است برخی کاستی‌های موجود در تحلیل‌های پیشین برطرف گردد. زیرا برخی کارها صرفاً تحول محور بودند ضمن آن که بسیاری نیز تک بعدی به موضوع نگریسته اند اما پژوهش حاضر به جهت رویکرد نوینی که مدنظر دارد درصدد است تا به درک وسیع تر و جامع تری از بررسی عوامل مؤثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قاره آفریقا بپردازد.

چارچوب نظری پژوهش

واقع گرایی با همان رئالیسم یک نظریه فراگیر روابط بین الملل می باشد که در صدد تبیین کلی سیاست بین الملل و پدیده های گوناگون بین المللی بر اساس ویژگی های ثابت انسان ها و کشور ها می باشد. به عبارت دیگر، واقع گرایی یا رئالیسم یک رویکرد (از داخل به خارج) است که برای فهم و توضیح روابط بین الملل و سیاست خارجی کشورها بر خصوصیات ملی کشورها و انسان ها تأکید می کند. از دیدگاه واقع گرایی نظام بین الملل متشکل از کشورهایی دارای حاکمیت، خودپرست و منفعت طلب با منافع متفاوت و متعارض می باشد که تلاش می کند تا حد امکان آن منافع را افزایش دهند. واقع گرایان سیاست بین الملل را به صورت حوزه ای تعریف می کنند که قانون و اخلاق در آن نقشی ندارد و مبارزه برای کسب قدرت بر مناسبات کشورها حاکم است. بنابراین واقع گرایان بر رفتار کشورها و راهبردهایی که آن ها برای تأمین بقا و افزایش منافع خود به کار می برند متمرکز می شوند. واقع گرایی برای تبیین و توضیح روابط بین الملل و تحلیل سیاست خارجی بر اصول و مفاهیم بنیادی تأکید می کنند که عبارتند از:

- ۱- قدرت محوری
- ۲- دولت محوری
- ۳- منافع ملی
- ۴- موازنه قوا
- ۵- وضعیت طبیعی
- ۶- عقلانیت و بقا

واقع گرایان قدرت را به منزله مفهوم بنیادی روابط بین الملل قلمداد می کنند که نقشی همانند انرژی در فیزیک را ایفاء می کند. سیاست بین الملل همان طور که مورگنتا تصریح می کند، مانند انواع دیگر سیاست، مبارزه و کشمکش بر سر قدرت است. مهم ترین انگیزه و هدف کشورها در روابط بین الملل و سیاست خارجی کسب حداکثری قدرت و گسترش آن است. قدرت طلبی کشورها امری طبیعی است که از سرشت انسان سرچشمه می گیرد و در نظام بین الملل غیر متمرکز برای حفظ و بقا حیات تشدید و تقویت می شود بنابراین قدرت هم هدف است و هم وسیله ای برای ادامه حیات می باشد.

یک بازیگر عاقل کسی است که تلاش می کند تا منافع ملی خود را به حداکثر برساند. زیرا در یک نظام بین الملل غیر متمرکز متشکل از کشورهای خود پرست و منعت طلب، تعهد و وظیفه اصلی حکومت و دولت مردان تأمین منافع جامعه ملی و دولتی

است که نمایندگی آن را به عهده دارند نه رعایت موازین اخلاقی که بر همه اعضای جامعه حاکم است. بنابراین رفتار کشورها بر اساس منافع ملی تبیین و تعیین می شود و منافع ملی بر حسب قدرت ملی تعریف می شود که بالاترین هدف هر کشور در سیاست خارجی است.

تمایل برای افزایش قدرت و الزام و اجبار برای تأمین بقا به طور عقلانی کشورها را به اتخاذ سیاست و رفتار خارجی مبتنی بر موازنه قوا ترغیب می کند. منطق توازن قوا قدرت به سیاستگذاران و تصمیم گیرندگان دیکته می کند که در مقابل نیروها و بازیگرانی که در صدد برهم زدن قدرت هستند تعادل و توازن برقرار کنند. دو الگوی موازنه قوا قابل تصور است که عبارتند از:

۱- توازن درون گرا یا یک جانبه
در این نوع موازنه قوا کشورها با اتکا بر قابلیت‌ها و توانایی های خود موازنه را برقرار می کنند.

۲- توازن برون گرا یا چند جانبه
در این نوع موازنه قوا که به صورت اتحاد و پیمان دو یا چند کشور علیه قدرت بر هم زننده موازنه شکل می گیرد. بی تردید می توان گفت که واقع گرایی، چهارچوب فکری غالب در تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است. زیرا اکثر تحلیل-گران، بر اساس مفهوم (منافع ملی) همانگونه که در نظریه واقع گرایی تعریف می شود، به تجزیه و تحلیل سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی پرداخته اند (دهقانی فیروز آبادی: ۲۸، ۱۴۰۱-۳۰).

در این تحقیق سعی شده است چهارچوب نظری خود را بر اساس واقعیت های موجود در سیاست خارجی ج.ا.ا. عرصه بین المللی تشریح نماییم و عوامل مؤثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قاره آفریقا که در جهت منافع ملی و افزایش قدرت منطقه ای می باشد، تبیین کنیم.

تعریف مفاهیم:

سیاست خارجی: در تعریف سیاست خارجی باید به دو معنای متفاوت ولی مرتبط آن توجه کرد. در مفهوم اول سیاست خارجی به معنای موضوع و متغیر وابسته ای است که مطالعه می شود. در مفهوم دوم، سیاست خارجی مترادف تحلیل سیاست خارجی به کار می رود که یک رشته مطالعاتی است که به مطالعه سیاست خارجی به معنای اول می پردازد (دهقانی فیروزآبادی: ۱۳۹۹، ۱۹۵-۱۹۶).

سیاست خارجی ایران: سیاست خارجی ایران بر اساس دو مفهوم کلیدی واقع گرایی و آرمان گرایی می باشد، واقع گرایی ریشه در اندیشه های ملی گرایانه دارد و آرمان گرایی ریشه در مبنای انقلابی و اسلامی دارد و مهم ترین بحران نظری و عملی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی، تقابل واقع گرایی و آرمان گرایی می باشد (غریباق زندی، ۱۳۸۷: ۳۰۶).

ژئوپلیتیک: امروزه واژه ژئوپلیتیک در حوزه های مطالعاتی گوناگون کاربرد فراوانی دارد و برای تحلیل و تبیین رویدادهای سیاسی و جغرافیایی در سطوح مختلف بکار

گرفته می شود. از زمان وضع واژه ژئوپلیتیک توسط «کیلن» در سال ۱۸۹۹ میلادی تا کنون ضمن این که دچار فراز و نشیب بوده است از نظر مفهومی هم نتوانسته است از شفافیت و ثبات نسبی برخوردار شود. در تعریفی که تاکنون از ژئوپلیتیک به عمل آمده غلبه با آنهایی بوده که سعی داشته اند که از آن به عنوان دانش مطالعه رابطه یکسویه و جبری تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست یاد کنند. هر چند تعاریف محدود تری در خصوص رابطه دو طرفه بین آنها و نیز تحلیل فضایی مناسبات و ساختار قدرت و رقابت جهانی نیز ارائه شده است، لکن همه آنها فاقد جامعیت نسبی بوده و هر کدام بخشی از موضوع را مورد توجه قرار داده اند (حافظ نیا: ۱۳۷۹، ۷۲).

ژئو اکونومیک: مفهوم ژئو اکونومیک و کارکردهای آن به صورت گسترده در ارتباط با مفهوم دیگری به نام ژئوپلیتیک مورد تفسیر قرار می گیرد. در این زمینه پیتر تیلور بر این باور است که به یاری ژئوپلیتیک می توان به مطالعه جغرافیایی قدرت در میان کشور های جهان پرداخت و همزمان به تحلیل این موضوع پرداخت که چگونه عوامل مؤثر دیگری نظیر اقتصاد به رقابت های بین المللی شکل می دهند. در این فرایند ارتباط موجود میان ژئوپلیتیک و عواملی نظیر اقتصاد باعث اهمیت یافتن مفهوم ژئو اکونومیک می شوند (پیتر تیلور، ۱۹۹۳: ۳۳۰).

ژئو استراتژیک: واژه ژئو استراتژی نخستین بار توسط «جاکومو دوراندو» در سال ۱۸۴۶ میلادی مطرح شد و دو برداشت متفاوت از ژئو استراتژیک ارائه می دهد: از یک سو ژئو استراتژی نگران تأثیر عوامل جغرافیایی بر ساختار گروه های انسانی است که خود می تواند هدف اصلی ژئوپلیتیک باشد و از سوی دیگر ژئو استراتژی دارای مفهوم و معنای کاملاً نظامی است که درباره تأثیر جغرافیا در جنگ ها می پردازد. در واقع ژئو استراتژی علمی است که نقش محیط جغرافیایی را در تبیین استراتژی ها و رویکردها به طور ویژه مورد مطالعه قرار می دهد. آنچه از این تعریف و سایر تعاریف ارائه شده توسط اندیشمندان این حوزه بدست می آید این است که نقش عوامل جغرافیایی و محیط جهت تدوین استراتژی های نظامی با محوریت نیروهای مسلح موضوع اصلی ژئو استراتژی می باشد.

۱- قاره آفریقا در افق دیپلماسی

امروز تقویت و توسعه روابط با کشورهای آفریقایی یک ضرورت در سیاست خارجی ایران است چرا که آفریقا ظرفیت های گسترده ای در حوزه های دیپلماسی اقتصادی و سیاسی دارد که بهره مندی از آن ها می تواند زمینه ساز تقویت توانمندی های ژئوپلیتیک و ژئو استراتژیک ایران شود با این وجود از توجه ایران به آفریقا در سال های گذشته کاسته شده است و این توجه فقط در گفتار باقی ماند. از سوی دیگر در شرایطی که از نگاه به شرق با محوریت روسیه و چین به عنوان رویکرد جدید ایران در سیاست خارجی نام برده می شود می توان آفریقا را نیز بخشی از این شرق گسترده فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در نظر گرفت در این راستا ایران می تواند در گام نخست زمینه ها و روابط اقتصادی را محور فعالیت های خود قرار دهد و در مرحله بعد روابط سیاسی و فرهنگی نیز به طور خودکار دنبال شود.

در زمینه اقتصادی در حوزه منابع طبیعی از غنای بسیاری برخوردار است و این منابع می تواند بخشی از نیاز های ما را در آینده دور یا نزدیک تأمین کند قاره آفریقا نیازمند

برخی کالاها، تولیدات یا فناوری های مختلف است که می تواند از سوی ایران تأمین شود. در زمینه رشد و توسعه علمی، ظرفیت های علمی و فناورانه ایران یک مزیت بزرگ و ویژه محسوب می شود زیرا بسیاری از کشورهای آفریقایی نیازمند این فناوری ها می باشد و در مقابل ایران می تواند از این مبادلات در شرایط تحریمی به نفع خود بهره برد و از میزان اثرگذاری تحریم ها بکاهد. در زمینه حوزه های فرهنگی و ایدئولوژی این نکته اهمیت دارد که انقلاب اسلامی ایران بسیار مورد احترام ملت های آفریقایی است زیرا تجربه تلخ آفریقا از استعمار هنوز دامنگیر این ملت ها می باشد.

با توجه به موارد فوق گفت تعامل سازنده جمهوری اسلامی ایران با قاره آفریقا و گسترش همکاری های دو جانبه با قاره آفریقا از این رو اهمیت دارد که می تواند به افزایش وزن ژئوپلتیکی ایران منجر شود.

۲- دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم ج.ا.ا در قاره آفریقا

الف) دیپلماسی فرهنگی: دیپلماسی فرهنگی نوعی دیپلماسی عمومی و قدرت نرم است که تمام جنبه های فرهنگی میان کشورها را که شامل زبان، هنر، فرهنگ و آداب و رسوم می باشد به منظور تقویت درک متقابل و مشترک را در بر می گیرد. غایت نهایی دیپلماسی فرهنگی این است که درک مناسبی از آیین ها و رسوم و اهداف یک کشور خارجی بدست آورد تا از این طریق به اهداف اقتصادی و سیاسی مورد نظر خود برسد. به عبارت دقیق تر دیپلماسی فرهنگی ابزار علاقه و تمایل نشان دادن نسبت فرهنگ و رسوم دیگر کشورها در راستای توسعه صلح جهانی و کسب موفقیت در نائل شدن به اهداف اقتصادی و سیاسی می باشد. در دیپلماسی فرهنگی دولت ها می توانند با استفاده از عناصر فرهنگی و نفوذ دولت هایشان در جوامع بین المللی و خارجی، فرهنگ ملت خود را به سایر کشورها معرفی کنند و توانایی برقراری ارتباط مؤثر و متقابل با سایر فرهنگ ها و دولت ها را بدست آورند.

ب) قدرت نرم: قدرت نرم به مثابه یکی از ارکان سیاست بین الملل در عصر حاضر، جایگاه رفیعی پیدا کرده است، به گونه ای که سیاستمداران برای دست یابی به آن تلاش زیادی دارند. علت این امر را می توان در کار آمدی و موفقیت قدرت نرم نسبت به اشکال کلاسیک (قدرت سخت و برهنه) جستجو کرد (نیک روش و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۹-۱۳۳).

در سیاست بین الملل قدرت نرم در مقابل قدرت سخت قرار دارد و به معنی داشتن توانایی جذب و انتخاب در عرصه اقدامات فرهنگی و سیاسی می باشد. اگر قدرت به معنای توانایی اثرگذاری بر دیگران به منظور کسب نتایج دلخواه در نظر بگیریم می توان گفت قدرت نرم عبارت است از توانایی کسب مطلوب از طریق (جاذبه) می باشد نه از طریق اجبار یا تطمیع. یکی از ویژگی های بارز قدرت نرم این است که در آن الزام و اجباری وجود ندارد. قدرت نرم توانایی شکل دهی، اثرگذاری و تعیین باورها و امیال دیگران است به نحوی که تضمین کننده اطاعت و فرمانبرداری آنان باشد (سعیدی، روح الامین، مقدمی فر، حمیدرضا، ۱۳۹۳: ۱۱۲).

۳- نقش قدرت نرم در دیپلماسی عمومی ج.ا.ا

قدرت نرم در عصر حاضر یکی از ارکان قدرت های نو ظهور سیاسی در عرصه بین

المللی می باشد و کنشگران این عرصه در تلاش هستند که با استفاده از قدرت نرم در تعاملات بین المللی، مقدار نفوذ و اعتبار خویش و پرستیژ خود را توسعه بدهند. استفاده از قدرت نرم به آن ها کمک می کند هزینه های مالی و تلفات انسانی را کاهش دهند و از این روش افکار و اذهان بین المللی را قانع کنند. دولت هایی که از قدرت نرم بیشتری در روابط خود با سایر کشورها برخوردار باشند، امکان نفوذ بیشتری در عرصه بین المللی و در روابط چند جانبه و دو جانبه خواهند داشت. جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن برخی اشتراکات مذهبی، فرهنگی، تاریخی، سیاسی و دیپلماتیک در قاره آفریقا و منطقه نیازمند ارتقاء و توسعه مؤلفه های قدرت نرم می باشد تا به یک قدرت بزرگ در عرصه استفاده از دیپلماسی عمومی در جهان تبدیل شود و دیپلماسی عمومی می تواند به مثابه یکی از ارکان قدرت نرم ج.ا.ا در قاره آفریقا شود.

۴- بررسی پیشینه تاریخی روابط ایران و آفریقا

روابط خارجی و دیپلماتیک میان تهران و کشورهای قاره آفریقایی سابقه خوبی دارد این سابقه خوب را می توان در دوره هخامنشیان در مصر جستجو کرد همچنین روابط ایران با آفریقا غالباً به شرق قاره آفریقا و مهاجرت شیرازی ها به این منطقه بر می گردد. شیرازی ها مرکز حکومت خود را شهر کیلوا قرار دادند و به شهر زنگبار و شهرهای دیگر مهاجرت کردند و حکومت هایی در کومور و موزامبیک تأسیس کردند. در عهد قاجاریه روابط دیپلماتیک از طریق کنسولگری تهران در قاهره ادامه داشت. پیروزی انقلاب اسلامی ایران که همزمان با استقلال یافتن برخی کشورهای آفریقایی بود، قرار شد تا با ایجاد سفارت خانه در برخی کشورهای آفریقایی روابط دیپلماتیک با قاره آفریقا از سر گرفته شود اما به دلیل مسائل ایدئولوژیک و روابط خانوادگی محمد رضا شاه پهلوی (پهلوی دوم)، روابط ایران با آفریقا توسعه نیافت و در این مدت تهران فقط در ۹ کشور قاره آفریقا سفارت خانه و کنسولگری داشت و فقط در دوره محمد رضا شاه پهلوی روابط دیپلماتیک و سیاسی با آفریقای جنوبی به دلیل ویژگی های منحصر به فرد آفریقای جنوبی گسترده بود (بخشی، احمد: ۱۳۸۷، ۳۲).

بررسی تاریخی روابط ایران و قاره آفریقا را می توان به سه بخش تقسیم می شود که به شرح ذیل می باشد:

الف) بررسی تاریخی روابط ایران و قاره آفریقا در دوران هخامنشیان و بعد از آن: پیشینه روابط ایران و کشورهای آفریقایی به لایروبی کانال سوئز به فرمان داریوش پادشاه هخامنشی برمی گردد. که با مهاجرت شیرازی ها به شرق آفریقا و تشکیل حکومت توسط شیرازی ها در شهر کیلوا و مجمع الجزایر کومور و کشور موزامبیک ادامه یافت. بخش عمده روابط با آفریقا غالباً به مهاجرت شیرازی ها به شرق آفریقا برمی گردد. شیرازی ها شهر کیلوا را به مرکز حکومت خود تبدیل کردند و جزیره زنگبار را توسعه دادند و حکومت هایی در کومور و موزامبیک ایجاد کردند (بخشی، احمد، ۱۳۸۷: ۳۲-۳۳).

ب) بررسی تاریخی روابط ایران و قاره آفریقا در دوره پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۳۰۴): در دوره پهلوی اول ارتباط زیادی میان ایران و قاره آفریقا وجود نداشت و روابط سیاسی و دیپلماتیک بسیار محدود بوده است. در دوره پهلوی و پس از استقلال کشورهای آفریقایی قرار شد تا با ایجاد سفارت خانه در برخی از کشورها روابط خارجی با این قاره برقرار شود. اما این روابط به دلیل اختلافات ایدئولوژیک و روابط شخصی پهلوی دوم توسعه

نیافت در این زمان ایران فقط در ۹ کشور از قاره آفریقا نمایندگی سیاسی داشت و روابط رژیم پهلوی با آفریقای جنوبی به دلیل ویژگی های خاص این کشور گسترده بود.

پ) بررسی تاریخی روابط ایران و قاره آفریقا در دوره پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۲۰): دوران پهلوی دوم همزمان با استقلال کشورهای آفریقایی می باشد از این زمان به بعد هویت بین المللی کشورهای آفریقایی لزوم برقراری ارتباط با دیگر کشورها را برای آن ها ایجاد کرد به طوری که در سال ۱۳۴۳ اداره ششم وزارت خارجه وقت موضوع آفریقا را در دستور کار قرارداد. از این زمان به بعد تلاش می شود که در کشورهای انگلوفون و فرانکوفون سفارت خانه های ایران تأسیس شود. در میان کشورهای فرانسوی زبان، ساحل عاج و سنگال و در میان کشورهای انگلیسی زبان، کشورهای کنیا و تانزانیا را مد نظر قرار می گیرد که از سال ۱۳۴۸ روابط سیاسی آغاز گردید.

۵- عوامل حضور ج.ا.ا در غرب آفریقا

۱- عامل ایدئولوژی دینی و مذهبی در کشورهای منطقه غرب آفریقا که جمعیت زیادی از آن ها را مسلمانان تشکیل می دهند باعث ایجاد روحیه شهادت طلبی، صلح طلبی و آزادی خواهی در آن ها شده است.

۲- موقعیت راهبردی و حیاتی منطقه غرب آفریقا از جمله کشور سنگال باعث شده به دلیل قرار گرفتن در مسیر تجارت بین-المللی تلاش برای ورود در گذرگاه های آبی اهمیت فراوانی بدست آورد.

۳- وجود منابع معدنی و نفتی بکر و دست نخورده در این منطقه، که از دو ویژگی بسیار مهم نیروی کار ارزان و آسان بودن حمل و نقل بهره می برند و منطقه ی غرب آفریقا را به مرکز توجه و رقابت بسیاری از کشورها تبدیل کرده است.

۴- بهره مندی و برخورداری از روابط گسترده ی منطقه ای و بین المللی، به ویژه در جهان اسلام و حضور ایران در آن برگ برنده ای برای تهران در محافل بین المللی است.

۵- وجود پیمان های منطقه ای متعدد و عضویت اغلب کشورهای منطقه در آن.

۶- وجود مشترکات سیاسی و فرهنگی متعدد بین کشورهای منطقه.

۷- نبود محدودیت های مرزی بین کشورهای منطقه و آزادی مرزها که سهولت تردد و سفر بین کشورهای منطقه را به همراه داشته است.

۶- مهمترین راهبرد های ج.ا.ا برای نفوذ در غرب قاره آفریقا

جمهوری اسلامی برای گسترش نفوذ خود در قاره آفریقا از همه راهبرد ها استفاده کرده است، اما مهم ترین آن ها به شرح ذیل می-باشد (مشرق نیوز: ۱۴۰۰، ۲۶ آذر). الف) شیعیان لبنان: بنابر گفته شبکه تلویزیونی اورینت، بیش از ۱۵۰ هزار لبنانی که اغلب آنان را شیعیان تشکیل می دادند، «اسب ترأی» جمهوری اسلامی برای نفوذ در کشورهای غرب قاره آفریقا می باشند. سازمان سیا در این باره می گوید که بسیاری از لبنانی ها دارای روابط بسیار نزدیک و دوستانه با نخبگان سیاسی و تجار و بازرگانان کشورهای غرب قاره آفریقا هستند و در این زمینه برخی از تجار و بازرگانان و سرمایه داران لبنانی دو تابعیتی آمادگی خود را اعلام کردند تا حلقه ارتباط و تأمین کننده ی منافع سیاسی و مذهبی و تجاری، بازرگانان و سرمایه گذاران ایرانی در منطقه

غرب قاره آفریقا باشند.

ب) مراکز فرهنگی: در طی سال های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۴ میلادی (۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ شمسی) جمهوری اسلامی ایران مراکز فرهنگی خود در جنوب صحرای آفریقا را از ۹ مرکز به ۱۸ مرکز افزایش داد تا این مراکز در کنار سفارت خانه های ایران در کشورهای این منطقه به کانون تبلیغ و ترویج شعارها و ایدئولوژی انقلاب اسلامی تبدیل شوند به عبارت دیگر مهمترین وظیفه ی آن ها ایجاد بستر مناسب برای گسترش فرهنگ انقلاب اسلامی در کشورهای غرب منطقه آفریقا می باشد.

پ) روحانیون (مبلغان مذهبی): علاوه بر دو راهبرد فوق ج.ا.ا به سرعت اقدام به فرستادن روحانیون (مبلغان مذهبی) به کشورهای منطقه غرب آفریقا نمود. این مبلغین با برگزاری همایش ها، نشست ها و دیدارهایی با روحانیون و شخصیت های دینی و مذهبی محلی سعی کردند تا دامنه نفوذ انقلاب اسلامی در غرب آفریقا را بیش از پیش گسترش دهند، نمونه این حضور و نفوذ را به خوبی می توان در کشور نیجریه و شیخ «ابراهیم زکزاکی» ملاحظه کرد که به «سید حسن نصرالله» قاره ی آفریقا معروف می باشد.

ت) گسترش تفکر امام خمینی از طریق دانشجویان و کارمندان: تلاش های گسترده و فراوان برای گسترش تفکرات و دیدگاه های امام خمینی از طریق ارتباط و تماس مستمر با دانشجویان آغاز کردند و کارمندان خود را به عنوان استاد و یا دانشجو به دانشگاه ها فرستادند تا مبلغ تفکرات و دیدگاه های امام خمینی (ره) باشند.

ث) نقش فعال سفارت خانه ها و کنسولگری ها و مراکز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران: سفارت خانه ها و کنسولگری ها و مراکز فرهنگی ج.ا.ا علاوه بر این که کتاب ها، فصلنامه ها، مجلات، نوارهای صوتی و تصویری که حاوی شعارهای انقلاب اسلامی ایران و تفکرات امام خمینی (ره) بود را، به زبان های محلی و بومی چاپ و منتشر می کردند، روابط بسیار نزدیکی با رسانه های بومی و محلی در کشور های آفریقایی برقرار کردند و به واسطه آن ها مقالات و گزارش هایی در حمایت از انقلاب اسلامی و گسترش دیدگاه ها و تفکرات امام دیدگاه ها و تفکرات امام خمینی (ره) منتشر کردند.

۷- جایگاه آفریقا در سیاست خارجی ج.ا.ا (از منظر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری)
پیروزی انقلاب اسلامی نقش اساسی در میان مسلمانان جهان ایفا کرد دیدگاه فراملیتی انقلاب اسلامی باعث شد مسلمانان در تلاش برای جستجو هویت اسلامی خود برآیند. انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) از جمله انقلاب هایی است که دیدگاه فراملیتی دارد و به عبارت دیگر به کشور، ملت، قوم و مکان خاصی محدود نمی شود. انقلاب اسلامی با معرفی چهره واقعی اسلام ناب محمدی (ص)، اسلام را به عنوان دین جامع و کامل که سعادت اخروی و دنیوی انسان ها را در بر می گیرد با شرایط روز به جهانیان ارائه کرده است. روحیه تلاش و جهاد راه خدا را در میان امت اسلامی بازگرداند و اعتماد به نفس قوی و نیرومندی را در میان کشورهای اسلامی ایجاد کرد. جوانان مسلمان با الگو پذیری از انقلاب اسلامی ایران که ریشه در مذهب شیعه اثنی عشری و آموزه های قیام عاشورا دارد در صدد اسلامی نمودن نظام های سیاسی خود می باشد. مقام معظم رهبری پیرامون تأثیر انقلاب اسلامی ایران در آفریقا و فعالیت مسلمانان در قاره آفریقا عناوین کلی بیان کرده اند که عبارتند از :

الف) مبارزه با ظلم

ب) اهمیت فعالیت مسلمانان و مردم دنیا

پ) محبوبیت و الگو بودن و تأثیر ایران

ت) اهمیت قانون اساسی و کارنامه موفقیت‌های ایران

الف) مبارزه با ظلم: مقام معظم رهبری با اشاره به گرایش بی سابقه‌ی ملت‌ها برای مقابله با استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا فرمودند: «امروز در آفریقا، آسیا خاورمیانه، اروپا و آمریکای لاتین ملت‌ها و به ویژه مسلمانان علیه آمریکا شعار می‌دهند. مبدأ این تحول که در طول تاریخ بیداری ملت‌ها بی نظیر است از پیروزی انقلاب اسلامی ایران ناشی می‌شود. انقلاب بر اساس تعالیم اسلام، ضرورت مقابله با ظلم و ستم را در هر شرایطی به مسلمانان تفهیم کرد. زیرا در مبارزه مظلوم با ظالم و ستمگر هیچ مرزی وجود ندارد» (آیت الله خامنه‌ای: ۱۳۶۹، ۲۹ شهریور).

ب) اهمیت فعالیت مسلمانان و مردم دنیا: مقام معظم رهبری نسبت به بی تفاوت نبودن فعالیت مسلمانان جهان فرمودند: «اگر در گوشه‌ای از جهان، جمعی از مسلمین حرکتی می‌کنند، تصمیمی می‌گیرند، سودی می‌برند، یا زبانی می‌بینند، ملت ایران و انقلاب و نظام ما نمی‌تواند موضع منفی و بی تفاوتی بگیرد. لذا از روز اول که انقلاب ما به یک دولت و یک نظام تبدیل شد، این نظام در زبان امام و معلم، معمارش و در زبان مسؤولان همواره مسائل ملت‌های مسلمان را مطرح و به آن اعتنا کرده است. امروز اگر شما می‌بینید که مثلاً در آفریقا ملت‌ها کاری کرده‌اند که حواس استکبار جهانی بکلی پربشان شده است؛ اگر می‌بینید که سیاست‌گذاران استکباری دارند فکر می‌کنند که اگر مسائل الجزایر به فلان کشور و فلان کشور سرایت کرد، ما چه می‌کنیم؛ اگر می‌بینید که ملت‌های مسلمان جمهوری‌های آسیای میانه، احساسات اسلامی خود را ابراز می‌کنند و اسلام را می‌خواهند، تا آنجا که رهبران و مسؤولان و زمامدارانشان هم چاره‌ای جز این ندارند که دم از گرایش به انگیزه‌های اسلامی بزنند و همین موارد دیگر، این‌ها را باید به عنوان آن جرقه‌هایی از این کانون آتش منتشر شده است، ملاحظه کنید» (آیت الله خامنه‌ای: ۱۳۷۰، ۱ اسفند).

پ) محبوبیت و الگو بودن و تأثیر جمهوری اسلامی ایران: حضرت آیت الله خامنه‌ای فرمودند «مسأله‌ی دیگر، حرکت‌های اسلامی در برخی از کشورهای عربی و آفریقایی است. این یکی از مژده‌بخش‌ترین حوادث جهان اسلام است که ملتی با جوان‌هایش، با روشنفکرهایش، با مردم کوچ و بازارش، داعیه‌ی اجرای احکام اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی داشته و در راه آن حرکت کند. از طلوع انقلاب عظیم اسلامی در ایران و تشکیل جمهوری اسلامی، این انتظار و امید برای دوستان و این هراس و نگرانی شدید برای اردوگاه استکبار و در رأس آن آمریکا وجود داشت که انقلاب اسلامی ایران، طلیعه پیروزی‌های مسلمانان در سایر نقاط جهان اسلام خواهد بود» (آیت الله خامنه‌ای: ۱۳۷۰، ۲۶ خرداد).

ت) اهمیت قانون اساسی و کارنامه موفقیت‌های ج.ا.ا: مقام معظم رهبری پیرامون اهمیت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به نقل از یکی از سیاستمداران غربی فرمودند آن سیاستمدار غربی می‌گفت: «دو چیز است که اگر در میان مسلمان‌ها دست به دست بگردد و ملت‌های مختلف مسلمان از این دو چیز آگاه شوند، دیگر

همه‌ی تابوهای غرب - یعنی اصول جزمی غرب - در هم خواهد شکست و باطل خواهد شد. این دو چیز چیست؟ این سیاستمدار غربی می‌گوید: یکی قانون اساسی جمهوری اسلامی است؛ که این قانون اساسی، یک حکومت مردمی و پیشرفته‌ی امروزی و در عین حال دینی را در چشم مسلمانان جهان ممکن می‌سازد. این قانون اساسی نشان می‌دهد که می‌توان یک حکومتی داشت که هم متجدد باشد، امروزی باشد، پیشرفته باشد و هم کاملاً دینی باشد. قانون اساسی این را تصویر می‌کند. می‌گوید چنین چیزی ممکن است. دوم، کارنامه‌ی موفقیت‌های علمی و اقتصادی و سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی است؛ که اگر این دست مسلمان‌ها برسد، می‌بینند که آن امر ممکن اتفاق افتاده است، واقع شده است (آیت الله خامنه‌ای: ۱۳۸۹، ۱۵ بهمن).

۸- عوامل موثر بر سیاست خارجی ج.ا.ا. در قاره آفریقا

یکی از مناطقی که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی جایگاه خاصی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد قاره آفریقا می‌باشد، از این رو ایجاد روابط دیپلماتیک و حفظ روابط دیپلماتیک که شامل دیپلماسی عمومی، دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی اقتصادی می‌باشد جزو اولویت‌ها و برنامه ریزی‌های دستگاه سیاست خارجی ج.ا.ا. قرار گرفت که نتیجه آن ایجاد همکاری در سطوح مختلف با کشورهای آفریقایی شد بطوری که دولت سیزدهم سیاست خارجی خود در قاره آفریقا را بر اساس توسعه و گسترش همه جانبه روابط خود با کشورهای آفریقایی بدون اتکای صرف به کشورهای شرقی و غربی به تناسب ظرفیت و اقتضات هر کشور در این قاره قرار داده است. از این رو دولت سیزدهم در تلاش است با ایجاد و توسعه روابط همه جانبه با کشورهای آفریقایی که همسو و هم‌نظر با ج.ا.ا. می‌باشد تا حد امکان فشارها و تحریم‌های غرب را خنثی کند و همچنین برخی کارشناسان بر این باورند که ج.ا.ا. به دلیل پتانسیل بالقوه و برخورداری از ابزارها و اهرم‌های اثرگذار در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی سیاست خارجی قدرت و توان لازم برای حضور گسترده در قاره آفریقا و تعامل و همکاری مؤثر با کشورهای آفریقایی بر اساس سه کلید واژه عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی ج.ا.ا. می‌باشد.

الف) موانع اجرای قانون اساسی در دولت‌ها: ۱- تحریم‌های ظالمانه بین‌المللی ۲- نگرانی دولت‌های آفریقایی از پیامدهای ارتباط با جمهوری اسلامی ۳- دیدگاه‌های نامطلوب و غربگرایانه برخی دولت‌ها ۴- فراموش کردن قاره آفریقا و کشورهای جهان سوم ۵- سهل‌انگاری و اهمال‌کاری در اجرای قانون اساسی در ارتباط با قاره آفریقا (ب) عوامل مؤثر در جهت اجرای قانون اساسی: عوامل مؤثر و حرکت‌دهنده در جهت اجرای قانون اساسی ۹ عامل، به شرح ذیل می‌باشد:

۱- اولویت قرار دادن فرمایشات مقام معظم رهبری: مقام معظم رهبری در دیدار با مسؤولین کشورهای مختلف قاره آفریقا لزوم روابط دیپلماتیک با آفریقا را ضروری و سازنده دانسته‌اند و بر تعمیق روابط با آفریقا تأکید دارند از این رو وزارت امور خارجه سعی دارد فرمایشات معظم له را مد نظر قرار دهد.

۲- ایدئولوژی اسلامی: سیاست خارجی هر کشور به ایدئولوژی آن کشور بستگی دارد از آنجا که دین و مذهب رسمی ایران، اسلام و مذهب شیعه اثنی‌عشری می‌باشد مدیران و مسؤولین جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۵۷ تاکنون تمامی مسائل بین‌المللی و داخلی خود را بر اساس ایدئولوژی اسلامی بنیان نهاده‌اند.

۳- پذیرش و استقبال مطلوب کشورهای آفریقایی از گفتمان انقلاب اسلامی: با پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین پیوند دین و دنیا و جاری شدن دین در متن جامعه و سیاست و احیای واژه های مهجور مانده ای مانند جهاد، مقاومت، مبارزه با طاغوت و ظلم و شهادت و شهادت طلبی از اصول حاکم بر گفتمان انقلاب اسلامی است که توانسته است در جوامع اسلامی شور جدید ایجاد کند و خیزش های اسلامی را در کشورهای آفریقایی به راه بیندازد.

۴- داشتن تفکر مشترک در جهت نابودی استعمار: ج.ا.ا و قاره آفریقا به دلیل اینکه سالیان تحت سلطه استعمارگران اروپایی بودند دارای تفکر مشترک و تجربه مشترک در جهت نابودی استعمار می باشند.

۵- داشتن تفکر مشترک در جهت نابودی رژیم غاصب صهیونیستی: با توجه به اشتراکات مذهبی بین ج.ا.ا و برخی کشورهای آفریقایی که برگرفته از تعالیم دین مبین اسلام است، خود یک عامل محرک بین ایران و برخی کشورهای آفریقایی برای نابودی رژیم غاصب صهیونیستی می باشد.

۶- سیاست مشترک ایران و آفریقا در مبارزه با نظام آپارتاید (تبعیض نژادی): آپارتاید یا تبعیض نژادی یک نوع از تبعیض نژادی را بیان می کند که در آن همه سیاه پوستان یا همه رنگین پوستان (به غیر از سفید پوستان) مجبور به اقامت کردن اجباری در مکان های خاص و شهر های خاص هستند و از کلیه حقوق شهروندی و حداقل امکانات زندگی محروم بودند. در سال ۱۹۹۰ میلادی همزمان با آزاد شدن نلسون ماندلا از زندان، وی مبارزه مسلحانه با نظام آپارتاید را انتخاب کرد.

۷- عضویت ۲۷ کشور آفریقایی در سازمان همکاری های اسلامی (OIC): این سازمان مجموعه گسترده ای از کشورهای اسلامی را گرد هم آورده و بزرگترین سازمان بین المللی بعد از سازمان ملل متحد محسوب می شود و بطور بالقوه قدرت عظیمی از بعد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را بوجود آورده است. مجموعه کشورهای آفریقایی عضو این سازمان، ۲۷ کشور می باشند که درصد قابل توجهی از اعضای آراء تشکیل می دهند و علیرغم این که غالب آنها صرفاً به جهت اخذ مساعدت اقتصادی و کمک گرفتن از آراء و امکانات دیگر کشورهای اسلامی در رفع برخی مشکلات خود، به عضویت این سازمان در آمده اند. به عبارت دیگر عضویت ۲۷ کشور آفریقایی در سازمان همکاری های اسلامی پشتوانه محکمی برای ج.ا.ا می باشد که در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قابل بررسی می باشد.

۸- عضویت ایران در اتحادیه آفریقا به عنوان عضو ناظر و شریک راهبردی: مسأله عضویت یا عضویت ناظر در سازمان های منطقه-ای و بین المللی دارای پیامدهای بر منافع اقتصادی و سیاسی کشور ها می باشد. حضور سیاسی و اقتصادی ج.ا.ا در آفریقا با هدف کمک به ملت های آفریقایی و نیز کسب منافع اقتصادی برای ج.ا.ا صورت می گیرد. هدف اساسی اتحادیه آفریقا، هدایت این قاره به سمت صلح و امنیت و توسعه پایدار است (شفیعی و همکاران: ۱۳۹۰-۸۱).

۹- همکاری کشورهای آفریقایی در آژانس انرژی اتمی: اعضای شورای حکام آژانس انرژی اتمی مجموعاً ۳۵ نفر می باشند که ۴ عضو دائم آن از قاره آفریقا هستند.

۹- اقدامات دشمنان ج.ا.ا در مقابله با دیپلماسی فرهنگی ایران در قاره آفریقا

این اقدامات بسیار پیچیده است و سه لایه معین دارد :

الف) بی ارزش شمردن و مخالفت نمودن با برقراری مناسبات دیپلماتیک و سیاسی ج.ا.ا و کشورهای قاره آفریقا: بازیگران غربی و اروپایی برقراری روابط دیپلماتیک و سیاسی ج.ا.ا با کشورهای قاره آفریقا را فاقد هرگونه ارزش می دانند و با روشهای مختلف مانع برقراری روابط دیپلماتیک و سیاسی ج.ا.ا با کشورهای آفریقایی می شوند. بازیگران غربی و اروپایی اذعان می کنند قاره آفریقا فاقد اهمیت می باشد و دارای عمق استراتژیک بسیار کم در عرصه بین المللی می باشد.

ب) ارائه تصویر غلط از ظرفیت های نهفته قاره آفریقا در برابر افکار عمومی: بازیگران غربی و اروپایی با صرف هزینه های بسیار زیاد و ارائه تصویر غلط از ظرفیت ها و پتانسیل های نهفته این قاره تلاش می کنند اهمیت استراتژیک و پتانسیل های این قاره را در اذهان عمومی جهان مخفی نمایند.

پ) جلوگیری از شکل گیری مناسبات ایران و آفریقا: ج.ا.ا نماد استقلال و مقاومت در برابر استعمار گران در آفریقا می باشد و از سوی دیگر دارای تمدن و فرهنگ غنی هست از این رو بازیگران غربی با تشکیل مناسبات ایران و آفریقا مخالفت می کنند.

۱۰- قاره آفریقا محور سیاست خارجی ایران در دولت های مختلف

در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، توسعه روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای آفریقایی، حداقل در سطح شعار، همواره در دستور کار وزارت امور خارجه ایران در دولتهای مختلف قرار داشته است، دستور کاری که در برخی از دولت ها تبدیل به اولویت شده است و با جدیت حداقل در حوزه سیاسی دنبال شده است که در این ارتباط می توان به عملکرد دولت های پنجم تا دهم (هاشمی رفسنجانی، خاتمی، احمدی نژاد) و سفر های آنها به آفریقا اشاره کرد در برخی دولتها با توجه به نوع رویکرد دولت بر خلاف شعارهای مطرح شده در سطح پایین تری قرار داشت و اقدام چندانی برای توسعه روابط انجام نشده است (قناد باشی، جعفر: ۱۴۰۱، ۲۱ اردیبهشت). برای مثال رئیس دولت پنجم و ششم (هاشمی رفسنجانی) در سال ۱۳۶۹ به سنگال سفر کرد تا روابط دیپلماتیک و تجاری برقرار شود و یک گزینه تجاری برای کاهش اثرات تحریم ها باشد. سپس رئیس دولت هفتم و هشتم (دولت سید محمد خاتمی) به آفریقای جنوبی سفر می کند تا راه های تجارت را بررسی نماید و پس از آن در دولت نهم و دهم (دولت محمود احمدی نژاد) روابط تجاری با آفریقا از طریق کمک های توسعه ای بوده است. (غمخوار: ۱۴۰۱: ۱۹، آبان).

در دولت یازدهم و دوازدهم (دولت حسن روحانی) از توسعه روابط با کشورهای آفریقایی صحبت می شد اما هیچ گاه شاهد اقدام عملی در این راستا نبودیم و روابط ما تنها با کشورهای آفریقای جنوبی خلاصه شده بود، دولت یازدهم و دوازدهم چندین بار میزبان برخی از مقامات بلند پایه آفریقایی بوده است و علیرغم چندین بار برنامه ریزی برای سفر رئیس دولت یازدهم و دوازدهم (دولت حسن روحانی) قاره آفریقا این سفر انجام نشد. رئیس دولت سیزدهم (سید ابراهیم رئیسی) توجه به قاره آفریقا را بخشی از محور های اصلی سیاست خارجی ج.ا.ا عنوان و بیان نموده است که در این زمینه هیچ محدودیتی نداریم. شعار اصلی دولت سیزدهم در حوزه سیاست خارجی، سیاست خارجی متوازن و گسترش روابط با کشورهای مختلف آفریقایی در حوزه های سیاسی

علی‌الخصوص اقتصادی می باشد چرا که توسعه روابط با قاره آفریقا از راهکارهای مؤثر در مقابله با تحریم ها و جلوگیری از تحقق سیاست برخی کشورهای غربی برای انزوای جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی می باشد (قناد باشی: ۱۴۰۱، ۲۱ اردیبهشت).

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آفریقا موجب شد تا آینده روشنی در خصوص روابط ایران با آفریقا در دولت سیزدهم شکل بگیرد. رئیس دولت سیزدهم (سید ابراهیم رئیسی) مانند دولت نهم و دهم (محمود احمدی نژاد) تلاش می کند سیاست خارجی ایران در آفریقا را احیا کند. گسترش نفوذ سیاست خارجی ایران در آفریقا از طریق ایجاد و تحکیم روابط دیپلماتیک، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و همچنین صنعت حمل و نقل علی‌الخصوص کشتیرانی و ایجاد خطوط هوایی صورت می گیرد که با منافع برخی کشورهای عربی و ترکیه و اسرائیل در آفریقا مغایرت دارد. جمهوری اسلامی ایران از طریق سرمایه گذاری و تأمین مالی گروههای شیعه و ارائه آموزش های نظامی و فروش سلاح به آنها به دنبال گسترش نفوذ خود در کشورهای معینی در آفریقا بوده است برای مثال ایران گروه حزب الله را به آموزش دادن شهروندان نیجریه ای تشویق کرده است با این امید که از نیجریه به عنوان پایگاهی برای حمله کردن و خنثی کردن جاه طلبی های کشورهای غربی و اسرائیل استفاده کند. (رئوف: ۱۴۰۰، ۱۶ بهمن).

سیاست خارجی ایران در آفریقا پیرامون تلاش برای ترویج ایدئولوژی شیعه، کشف راه های مبارزه با آمریکا و یافتن راه های جدید تجاری با آفریقا می باشد در حالی که روابط ایران - آفریقا به اواخر دهه ۱۹۷۰ بر می گردد زمانی که به جنبش عدم تعهد (نم) پیوست و سعی کرد خود را به عنوان مدافع مستضعفانی که در آن زمان علیه امپریالیسم غرب می جنگد معرفی کند. با توجه به توانایی های ایران در حوزه فناوری های دانش بنیان، خدمات فنی مهندسی، صنایع دفاعی و بهداشتی، انتقال فناوری و همکاری های متقابل در این حوزه می تواند هم به نفع ایران و هم به نفع کشورهای آفریقایی باشد. (غمخوار: ۱۴۰۱، ۱۹ آبان).

۱۱- بررسی بنیان های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ج.ا.ا در قاره آفریقا

قاره آفریقا به دلیل ویژگی های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی به صحنه رقابت قدرت های بزرگ منطقه ای و فرا منطقه ای تبدیل شده است و همه این قدرت ها به دنبال ایجاد برنامه مدون جهت اقدامات استراتژیک خود در قاره آفریقا هستند. بر این اساس یکی از برنامه های تدوین شده در زمینه سیاست خارجی ج.ا.ا در عرصه بین‌المللی، توسعه و ارتقا همکاری های همه جانبه با آفریقا در ابعاد ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی و هم افزایی با کشورهای آفریقایی می باشد که متکی بر حفظ کرامت انسانی مردم این قاره است. بر این اساس در سند چشم انداز ایران در افق ۱۴۰۴، که به عنوان یک سند جامع توسعه یافتگی همه جانبه در سیاست خارجی می باشد، نگاه منطقه ای به سیاست خارجی، کسب جایگاه قدرت برتر منطقه ای و تعامل سازنده با سایر دولتها در سیاست خارجی مورد تأیید قرار گرفته است.

بنیان های ژئوپلیتیکی یا جغرافیای سیاسی (Geopolitics): امروزه واژه ژئوپلیتیک (جغرافیای سیاسی) در حوزه های مطالعاتی گوناگون کاربرد فراوانی دارد و برای تحلیل

و تبیین رویدادهای سیاسی و جغرافیایی در سطوح مختلف بکار گرفته می شود. از زمان وضع واژه ژئوپلیتیک توسط « کیلنگ در سال ۱۸۹۹ میلادی تا کنون ضمن این که دچار فرار و نشیب بوده است از نظر مفهومی هم نتوانسته است از شفافیت و ثبات نسبی برخوردار شود. در تعاریفی که تاکنون از ژئوپلیتیک به عمل آمده غلبه با آنهایی بوده که سعی داشته اند که از آن به عنوان دانش مطالعه رابطه یکسویه و جبری تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست یاد کنند (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۷۲).

ژئواستراتژیک یا جغرافیای راهبردی (Geostrategic): واژه ژئواستراتژی نخستین بار توسط (جاکومو دوراندو) در سال ۱۸۴۶ میلادی مطرح شد. می توان دو تعریف گوناگون از ژئواستراتژیک بیان نمود: الف) تأثیر عوامل جغرافیایی بر گروه های انسانی ب) ژئواستراتژی دارای مفهوم و معنای کاملاً نظامی است که درباره تأثیر جغرافیا و عوامل محیطی در جنگ ها می پردازد. در واقع ژئواستراتژی علمی است که تأثیرات عوامل محیط جغرافیایی را در تدوین استراتژی نظامی بررسی می کند. آنچه از این تعریف و سایر تعاریف ارائه شده توسط اندیشمندان این حوزه بدست می آید این است که نقش عوامل جغرافیایی و محیطی جهت تدوین استراتژی های نظامی با محوریت نیروهای مسلح موضوع اصلی ژئواستراتژی می باشد. به بیان دیگر می توان گفت ژئواستراتژی به تحقیق و بررسی روابط میان استراتژی و عناصر جغرافیایی می پردازد و بر این اساس تاکتیک و روشی است که یک دولت یا کشور از در هر نقطه ای از دنیا قرار گرفته آن را اتخاذ می کند و باعث می شود کشور مزبور به اهداف خودش نائل شود.

موقعیت جغرافیای سیاسی قاره آفریقا: قاره آفریقا بعد از قاره آسیا دومین قاره بزرگ و دومین قاره پر جمعیت جهان می باشد و از شمال به دریای مدیترانه و تنگه سوئز و از شمال شرقی به دریای سرخ، از جنوب شرقی به اقیانوس قاره آفریقا از شمال به دریای مدیترانه و تنگه سوئز و از شمال شرقی به دریای سرخ، از جنوب شرقی به اقیانوس هند و از شرق به خلیج عدن و از غرب به اقیانوس اطلس احاطه شده است. این قاره همچنین شامل ماداگاسکار و مجمع الجزایر مختلف می باشد.

الجزایر بزرگترین کشور آفریقا از نظر مساحت و نیجیریه بزرگترین کشور آفریقا از نظر جمعیت می باشد و کشور سیشل کوچک ترین کشور می باشد که بطور یک مجمع الجزایر در خارج ساحل شرقی آن می باشد و کوچک ترین کشور ناحیه خشکی آن گامبیا است. کشورهای آفریقایی از طریق ایجاد اتحادیه آفریقا که مقر آن در آدیس آبابا است همکاری می کنند.

صحراهای وسیع در آفریقا بخش عظیمی از خشکی های این قاره را می پوشاند و صحرای بزرگ آفریقا با ۹ میلیون کیلومتر مربع وسعت ۴۴ درصد صحراهای جهان را به خود اختصاص داده است. قاره آفریقا به وسیله کانال سوئز از قاره آسیا و بوسیله تنگه جبل الطارق از اروپا جدا می شود. آفریقا دارای جزایر متعددی می باشد که جزیره ماداگاسکار یکی از مهم ترین جزایر آن می باشد. از دیگر جزایر آن می توان کومور، مافیا، سنت هلن و ... را می توان نام برد.

اقدامات و راهبرد ج.ا.ا جهت استفاده از ظرفیت ژئوپلیتیکی در منطقه شاخ آفریقا: ۱- حضور نظامی دائمی و مستمر در خلیج عدن، تنگه باب المندب و دریای سرخ برای حفظ امنیت کشتیهای تجاری و مسیرهای دریانوردی ۲- برقراری و توسعه روابط با کشورهای

ساحلی شاخ آفریقا یعنی سومالی، اریتره، جیبوتی و اتیوپی در ابعاد مختلف، مانند سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی ۳- تلاش برای همکاری و همگرایی منطقه‌های به ویژه تشکیل ائتلاف دریایی با کشورهای دوست و منافع مشترک ۴- تدوین برنامه و راهبرد هدفمند درباره حضور و فعالیت در آفریقا به صورت عام و شاخ آفریقا به صورت خاص ۵- برخورداری از آمادگی همه جانبه برای مقابله با تهدیدات و توطئه های بازیگران رسمی و غیر رسمی رقیب و معاند در فضاهای دریایی و ساحلی شاخ آفریقا (میرزایی تبار: ۱۴۰۱، ۱۵۰).

بنیان های ژئواکونومیک یا جغرافیای اقتصادی (Geoeconomics): برخی ژئواکونومی را استفاده از قدرت ژئوپلیتیک یا نظامی برای رسیدن به اهداف اقتصادی می دانند (۱۴، ۲۰۱۱: Youngs & Martiningui). برخی دیگر تعریف موسع دارند و آن را درهم تنیدگی اقتصاد بین الملل، ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی می دانند (Thirlwell, ۲۰۱۰). برخی دیگر بر تجارت و حمایت از صنایع داخلی بدون در نظر گرفتن جنبه های ژئوپلیتیکی تأکید دارند (Lorot, ۲۰۰۱). در نهایت عده ای نیز این واژه را تقریباً برای تمام فعالیت‌های اقتصادی داخلی و خارجی به کار می برند و قدرت طرح ریزی یک کشور را با قدرت یا ضعف اقتصادی داخلی آن مرتبط می دانند. کشوری که برای مدت طولانی از تقویت قدرت اقتصادی خود غفلت کند، از نظر ژئوپلیتیکی نمی تواند نقش مهمی ایفا کند (۲۰، ۲۰۱۶: Blackwill & Harris).

سیر تکامل ژئواکونومیک: پس از جنگ سرد و با گسترش پدیده جهان نی شدن، عوامل اقتصادی به ابزاری برای قدرت و رقابت تبدیل شدند. مورد توجه قرار گرفتن اقتصاد در ژئوپلیتیک به شکل گیری مفهومی بنام ژئواکونومی منجر شد که در آن به طور کلی مباحثی نظیر پیامدهای ژئوپلیتیک، پدیده های اقتصادی و روندهای ژئوپلیتیک مورد بررسی قرار می گیرد. زمانی که تمام ظرفیت های اقتصادی یک کشور یا بخشی از ظرفیت های یک کشور مربوط به مسائل جغرافیایی باشد ژئواکونومی یا اقتصاد جغرافیایی بوجود می آید. ژئواکونومی بطور مسلم ادامه دهنده دیدگاه ژئوپلیتیک می باشد که آن را با ابزارهای اقتصادی در عصر جهان نی شدن تلفیق می نماید. با توجه به تعاریف ذکر شده فوق به عبارت ساده ژئواکونومیک را می توان سه ضلع یک مثلث دانست که در آن رابطه میان قدرت کشورها، جغرافیای کشورها و اقتصاد کشورها را مورد بررسی قرار می دهد.

رابطه ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک: ۱- ابزارهای مورد استفاده در ژئواکونومی نیز علاوه بر تعدد و تنوع زیاد، عمدتاً از نوع ابزارهای قدرت نرم بوده بر پیچیدگی نظام بینالملل میافزایند ۲- در سیاست داخلی کشورها توجه به عوامل اقتصادی موجب تقویت زیربناها و زیرساخت‌های قدرت ملی شده و به افزایش وزن ژئوپلیتیکی کشور کمک میکند که این امر موجب تغییر رفتار و جایگاه کشور در نظام ژئوپلیتیک در راستای تحصیل منافع ملی میشود ۳- دو عنصر ژئوپلیتیک یعنی جغرافیا و قدرت با اقتصاد پیوند خورده است و به آن توجه می‌نماید، بنابراین چنانچه اقتصاد با قدرت و سیاست پیوند بخورد و با جغرافیا نیز عجین شود، در حوزه ژئوپلیتیک قرار می‌گیرد که در این صورت ژئواکونومی به‌عنوان بعد اقتصادی ژئوپلیتیک شکل می‌گیرد که در زیر مجموعه جغرافیای سیاسی قرار دارد.

راهبرد اقتصادی ج.ا.ا. در قاره آفریقا: راهبرد اقتصادی ج.ا.ا. در قاره آفریقا در ۴ قسمت ترسیم شده که در ذیل به آن اشاره می شود (امام جمعه، امیر علی: ۱۴۰۲، ۴ مرداد). الف) تدوین نقشه راهبردی به منظور ظرفیت سازی جهت افزایش نفوذ و عمق استراتژیک و گسترش اقتصادی ایران در قاره آفریقا.

ب) تقویت جایگاه آفریقا در سیاست خارجی کنونی ایران و ضرورت های تبدیل شدن جمهوری اسلامی به شریک راهبردی اتحادیه قاره آفریقا.

پ) شناسایی ظرفیت های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آفریقا و چگونگی و راهکارهای افزایش سطح روابط جمهوری اسلامی ایران با این کشورها.

ت) ظرفیت سازی جهت تعامل و همکاری و مشارکت هرچه بیشتر جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آفریقایی

در نهادها و سازمان های منطقه ای و موضوعی همچون غیر متعهدها، گروه ۷۷، مجمع عمومی سازمان ملل و سایر مجامع بین المللی.

چشم انداز روابط اقتصادی ج.ا.ا. و قاره آفریقا: قاره آفریقا یکی از مهم ترین مناطقی به شمار می رود که می تواند عامل به حرکت درآوردن چرخ های صنایع ایران باشد و حتی می توان به عنوان راه برون رفت از تحریم های ظالمانه غرب به آن نگاه کرد. طبق آمار منتشر شده از وزارت امور اقتصادی و دارایی، میزان تبادلات مالی با برخی مناطق قاره آفریقا بیش از ۱۰۰ درصد افزایش یافته و برگزاری اجلاس اقتصادی- علمی ایران و کشورهای غرب آفریقا به میزبانی کشورمان، نوید روزهای بهتری را در ارتباط بین ایران و آفریقا می دهد.

استفاده از همه ظرفیت های سیاسی، اقتصادی و تجاری در راستای منافع ملی از زمان شروع به کار دولت سیزدهم، صادرات ایران به آفریقا ۱۰۰ درصد افزایش داشته و سفر اخیر رئیس دولت سیزدهم می تواند مقدمه ای برای حل مشکلات زیرساختی روابط تجاری با این قاره باشد که در نهایت منجر به گسترش روابط تجاری با آفریقا شود. در واقع دولت سیزدهم در راستای فعال کردن تمام ظرفیت های تجاری و اقتصادی پس از عضویت رسمی ایران در سازمان همکاری شانگهای، تعامل و همکاری با کشورهای قاره آفریقا را در دستور کار خود قرار داده است. با برنامه ریزی های صورت گرفته مبنی بر افزایش صادرات کشورمان خوشبختانه علاوه بر رشد بیش از صد درصدی صادرات سال ۱۴۰۰ نسبت به ۱۳۹۹، در سه ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۱ نیز شاهد رشد ۲۹ درصدی صادرات کالایی به کشورهای قاره آفریقا نسبت به سه ماهه ابتدایی ۱۴۰۰ بوده ایم اما کماکان حجم صادراتمان در مقایسه با کشورهای منطقه بسیار ناچیز است (روزنامه فرهیختگان: ۱۴۰۱، ۶ مرداد).

نتیجه گیری:

در عرصه روابط بین الملل نظریات متفاوت و متعارضی وجود دارد که این نظریات می تواند به عنوان نقشه راه و برنامه جامع دولت ها در عرصه سیاست خارجی باشد. نظریه واقع گرایی یا رئالیسم یکی از نظریات مهم و بنیادین در عرصه دانش روابط بین الملل می باشد که سیاست های جامع جهانی را بر مبنای اقدامات دولت ها در جهت تأمین

منافع ملی و بقای خود تعریف می کنند. نظریه واقع گرایی یا رئالیسم غالباً با اقدامات و کارکرد سیاستمداران به دلیل درک مشترک از سیاست بین الملل منطبق می باشد.

یکی از مناطقی که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی جایگاه ویژه ای در سیاست خارجی ج.ا.ا دارد قاره آفریقا می باشد و با توجه به ظرفیت ها و مواهب الهی در قاره آفریقا ج.ا.ا باید از پتانسیل بالقوه آفریقا در راستای تأمین منافع و نیاز های خود از آن نهایت استفاده را بنماید. از این رو ایجاد روابط دیپلماتیک و حفظ روابط دیپلماتیک جزو اولویت ها و برنامه ریزی های دستگاه سیاست خارجی ج.ا.ا قرار گرفته است که نتیجه آن ایجاد همکاری در سطوح مختلف با کشورهای آفریقایی می باشد.

روابط دیپلماتیک میان ایران و قاره آفریقا در همه دوران تاریخ سابقه دارد و از زمان هخامنشیان در لایروبی کانال سوئز در مصر شروع شده و با مهاجرت شیرازی ها به شرق آفریقا و تشکیل حکومت توسط شیرازی ها در شهر کیلوا و مجمع الجزایر کومور و کشور موزامبیک ادامه یافت و حتی در عهد قاجاریه روابط دیپلماتیک از طریق کنسولگری تهران در قاهره ادامه داشت اما به دلیل بی-توجهی محمد رضا پهلوی روابط دیپلماتیک و سیاسی میان ایران و قاره آفریقا محدود به ۹ کشور شد.

جمهوری اسلامی ایران همواره توسعه و تحکیم روابط دوستانه و مبتنی بر همکاری با آفریقا را از اولویت های سیاست خارجی خود می داند و با نگاه به ظرفیت های ایران و قاره آفریقا و نقش مهم این قاره در مناسبات منطقه ای و بین المللی سیاست نگاه راهبردی را مورد توجه قرار داده است. بر این اساس ضروری است تا ج.ا.ا از شمال آفریقا تا جنوب آفریقا و دماغه امید نیک و دماغه آگولاس و از شرق آفریقا تا غرب آفریقا برنامه ریزی اساسی نموده و در پرتو اتحادیه آفریقا به شراکت راهبردی با این قاره بپردازد. به عبارت دقیق تر نظم نوین در عرصه بین المللی متضمن تغییر مراکز قدرت از غرب به شرق می باشد و در این تغییر مراکز قدرت، نظم نوین بین المللی شکل می گیرد که منفعی برای کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران دارد.

- 1- امام جمعه، امیرعلی (۱۴۰۲، ۴ مرداد)، راهبرد جدید ج.ا.ا در آفریقا، مرکز مطالعات بین‌المللی و سیاسی.
- 2- بخشی، احمد (۱۳۸۷)، بررسی تاریخی روابط ایران و آفریقا، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۳۵، صص ۳۲-۶۰.
- 3- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۷۹)، نظریه ساختار ژئوپلیتیکی در حال ظهور جهان، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، دوره ۶، شماره ۱۹.
- 4- دهشیری، محمد رضا، رضایی جعفری، محسن (۱۳۹۳)، نو منطقه‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۳، شماره ۲، شهریور ۱۳۹۳، صص ۱۹۱-۲۲۶.
- 5- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۴۰۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سمت، تهران.
- 6- رؤف، هدی (۱۴۰۰)، تغییر اولویت‌های ژئوپلیتیک تهران، روزنامه ایندیپندنت عربی، کد خبر (۲۰۰۹۴۹۶).
- 7- سعیدی، روح‌الامین، مقدمی فر، حمید رضا (۱۳۹۳)، فصلنامه علمی قدرت نرم، سال چهارم، زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۱۶-۱۱۲.
- 8- شفیعی، نودر، شریعتی؛ سعیده (۱۳۹۰)، تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های عضویت ناظر ایران در اتحادیه آفریقا، دوره ۳، شماره ۸، آذر ۱۳۹۰، صص ۹۷-۸۱.
- 9- عسگر خانی، ابو محمد، ارغوانی پیر سلامی، فریرز (۱۳۹۰)، سیاست تعامل سازنده و الزام توسعه روابط اقتصادی ایران و آفریقا، روابط خارجه، ۱۵۹، ۱۳۳.
- 10- غمخوار، تهمینه (۱۴۰۱)، عدم شناخت وزارت اقتصاد و بازرگانی ایران از قاره آفریقا، کد خبر (۲۶۴۰۳).
- 11- غرایاق زندی، داوود (۱۳۸۷)، اصول و مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: جستاری در متون، فصلنامه راهبردی، سال یازدهم، شماره دوم.
- 12- قناد باشی، جعفر (۱۴۰۱)، ایران شریک راهبردی آفریقا، خبرگزاری مهر: mehrnews.com/x325fP
- 13- موحدی قمی، محسن (۱۳۸۸)، بررسی روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای قاره آفریقا (با نگاهی به روابط ایران و قاره آفریقا پیش از انقلاب اسلامی ایران)، پژوهشنامه آفریقا، بهار ۱۳۸۸، شماره ۱.
- 14- میرزایی تبار، میثم (۱۴۰۱)، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال چهارم، شماره ۱۲، تابستان ۱۴۰۱، ص ۱۳۳.
- 15- رفیع، حسین، نیک روش، ملیحه (۱۳۹۲)، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۶، شماره ۲۲، شهریور ۱۳۹۲، صص ۱۳۳-۹۹.
- 16- یزدان پناه، کیومرث (۱۴۰۰)، نقش ژئوپلیتیک کشور های خاورمیانه و شمال آفریقا در امنیت منطقه ای، فصلنامه پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۵۳، شماره ۱، فروردین ۱۴۰۰، صص ۲۸۲-۲۶۵.

17- روزنامه فرهیختگان (۱۴۰۱، ۶ مرداد)، دیپلماسی اقتصادی:

<http://www.farhikhtegandaily>

18- سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم (۱۳۷۰، ۱ اسفند):

<https://www.leader>

19- سخنان مقام معظم رهبری در نماز جمعه تهران (۱۳۸۹، ۱۵ بهمن):

<https://www.leader.ir>

20- سخنان مقام معظم رهبری در دیدار در دیدار با مردم قم در نیمه شعبان (۱۳۷۰، ۳۰ بهمن):

<https://www.leader.ir>

منابع لاتین:

21_ Martiningui & Youngs: Geoeconomic futures in challenges for European foreign Policy in 2011.

22_ Thrilwell & Mark: The return of Geoeconomics. Interpreter LOWY Institute for international policy. May (2010).

23_ Black will & Robert and Harris and Jennifer: Harvard university press (2016).